

## چرا آنها از کومه له رفتند؟

این سئوالی است که ذهن بسیاری از دوستداران کومه له و جنبش انقلابی مردم کردستان، سازمانها و احزاب سیاسی ایرانی، شخصیتهای سیاسی، فرهنگی کرد و غیرکرد و ناظرین این رویداد را بخود مشغول کرده است. این سئوالی است که اصولا باید از جانب کسانیکه صفوف کومه له را ترک و درصدد پایه ریزی جریان دیگری با هر اسم و سیاستی هستند، و همچنین از جانب کسانیکه یکبار دیگر مسئولیت حفظ کومه له و سنتهای انقلابیش را بدوش گرفته اند پاسخ داده شود.

کارگران و زحمتکشان کردستان، خانواده‌ی جانبختگان کومه له، مبارزین قدیمی صفوف کومه له، دوستانی که طی چند ماه گذشته در نهایت صمیمیت برای حفظ وحدت صفوف جریان ما از هیچ تلاشی دریغ نکردند و همه کسانیکه در سالهای مبارزه کومه له یار و یاور این جریان بوده اند، انتظار دارند که معماران انشعاب در کومه له پاسخ روشنی برای آنها داشته باشند.

سوی اینکه آنها بخواهند به این خواست پاسخ بدهند یا نه، من بعنوان یکی از کسانیکه در متن این مسائل بوده ام، پاسخ به این سئوال را وظیفه خود میدانم و میکوشم تبیین خود از آن توضیح دهم.

روز جمعه ۲۸ مرداد ۷۹ بدنبال ناکام ماندن آخرین تلاش کمیته مرکزی به منظور متقاعد کردن این جمع در کومه له برای ماندن در تشکیلات و استفاده از کلیه امکانات و ابزارهای تشکیلاتی جهت پیشبرد نظراتشان، آنها به انشعابی که از ماهها پیش طراحی کرده بودند، قطعیت بخشیدند.

### چرا انشعاب ؟

در یک دسته بندی عمومی میتوان گفت که هم عوامل سیاسی و هم عوامل تشکیلاتی در ایجاد این بحران و نتیجتاً جدائی این اقلیت از تشکیلات ما تاثیر گذار بوده اند.

### اوضاع سیاسی ایران و منطقه و تأثیرات آن.

تردیدی نیست که جریان ما و کادرهایش نیز همانند بسیاری از سازمانها و شخصیتهای مخالف و اپوزسیون جمهوری اسلامی متاثر از رویدادهای چند سال گذشته ایران و بویژه حوادث و پیامدهای اوضاع سیاسی کردستان در ابعاد منطقه ای و محلی اش بوده اند. بدون شک عوامل متعددی به عبدالله مهتدی و همفکرانش را بسوی جدا شدن از کومه له برد اما اصلی ترین عامل موثر در این انشعاب و بویژه تعجیل متعجیب در تسریع عملی آن همان تأثیرات اوضاع سیاسی ایران بود که با فرمولبندی "درک شرایط جدید" از جانب آنها خود را نشان داد.

برای طیفی از اپوزسیون ایرانی منجمله انشعابهای کومه له، پروژه دوم خرداد به معنی تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی، منتهی نوع معتدل و متناسب با شرایط دنیای امروزش بود. جمهوری اسلامی که در حال فاصله گرفتن از سیاست های سالهای اول انقلاب و منطبق کردن خود با نیازهای امروز بازار جهانی بود.

داشتن چنین تحلیلی از رژیم و جناحهایش، افزایش دامنه اعتراضات مطبوعاتی، روشنفکری - دانشجویی و مردمی که برحق و قابل دفاع می باشند، و از طرفی دیگر بدلیل سرکوب و بیکاری

گسترده کارگران مبارزات این طبقه اجتماعی علیرغم افزایش عددی آن منتهی در حالت تدافعی قرار دارد و آنجائیکه گسترده می شد، از جانب مطبوعات و ژورنالیسم وابسته به منابع سرمایه بین المللی جایگاهی را اشغال نمی‌کرد. و همچنین محروم بودن این طبقه از وجود تشکلهای محلی و سراسری مستقل آن را از ابراز وجود محروم کرده است. چنین شرایطی باعث شد که در درون تشکیلات ما گرایشی پیدا شود که جنبش اقشار متوسط اجتماعی را محور تحولات امروز ایران بداند و مبارزات طبقه کارگر در دیدگاه تحلیلی اش مکان خاصی عتراض به جنبه‌های سراسری فعالیت کومه‌له، و همچنین نگرانی از پر کردن خلاء کومه‌له در تحولات کردستان ایران توسط جریان‌اتی دیگر باعث شد که مسائل محلی برجستگی خاصی در فرهنگ این افراد پیدا کند.

نکته جالب توجه اینجاست محفلی که این انشعاب را سازمان داد و چنین گرایشی را نمایندگی میکرد و از ما کومه‌له‌ای تر شدند، کسانی بودند که ۹ سال پیش و در جریان حمله کمونیسم کارگری به کومه‌له و کادره‌هایش در جبهه کمونیسم کارگری و از فعالین درهم شکستن مقاومت کادره‌های کومه‌له و اخراج دسته جمعی آنها بودند. محفلی که امروز مدعی کومه‌له بودن است و امروز ما را به بقایای حزب کمونیست ایران منتسب میکنند، ۹ سال پیش ما را که در برابر هجوم کمونیسم کارگری به کومه‌له مقاومت میکردیم با وارد آوردن اتهاماتی چون ناسیونالیست بودن راه پیوستن ما به صفوف سازمان خه‌بات را نشان میدادند و پای احکام اخراج بسیاری از ما از حزب کمونیست را همین سازمان دهندگان انشعاب از کومه‌له امضاء کرده اند. گذشته از این، اکثریت قابل توجه سازمان‌دهندگان این انشعاب و فعالین این جدائی، طی ۱۰ سال گذشته از بی تفاوت‌ترین کادره‌های تشکیلات ما نسبت به فعالیت در کردستان و حیات سیاسی کومه‌له بوده اند.

طی این ۱۰ سال چندین فراخوان حزبی برای مشارکت آنها در فعالیتهای کردستان را دریافت کرده اند، منتهی بیش از ۹۵٪ آنها به این فراخوانها پاسخی ندادند، که چی در یک اقدام حیرت آور مکانها تعویض می‌شود. فلان و فیسار حزبی می‌شوند، و کسانی که تحت نام حزب کمونیست فقط دکانی برای خود باز کرده بودند و صدها عجز و لابه ما برای حضور در فعالیتهای کومه‌له را نادیده گرفته بودند، در مقام بازسازی کومه‌له قرار می‌گیرند.

این گرایش به محلی‌گری متأثر از اوضاع سیاسی و تلاش برای چانه زنی با جناحی از رژیم مستلزم تثبیت موقعیت تشکیلاتی در کردستان و انحلال حزب کمونیست ایران بعنوان یک جریان سراسری در اقدامی غیر دموکراتیک بود.

### **تلاش برای تثبیت موقعیت در کومه‌له**

این گرایش فعالیت در کومه‌له و کردستان و تثبیت موقعیت خود در کمیته مرکزی کومه‌له را جزء اولویتهای خود قرار داد. این تلاش در صورتیکه بصورت قانونی و با تکیه بر اصول وموازن دموکراتیک صورت می‌گرفت و بر آراء اعضا متکی بود ایرادی نداشت، اما متاسفانه و بنابر وجود دهها سند مکتوب درون تشکیلاتی تلاش برای قبضه قدرت در کومه‌له توسط محفل انشعاب بشکلی توطئه‌گرانه و براندازانه و مطابق طرحی از پیشی به جریان افتاد.

طرح قبضه قدرت در کومه‌له کشف و شکست خورد و برخی از عوامل آن و مدافعینشان اعتماد اکثریت تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران نسبت به خود را از دست دادند. بازتاب این بی اعتمادی را ما در انتخابات برای انتخاب نمایندگان شرکت کننده در کنگره هفتم حزب و انتخاب

کمیته مرکزی حزب که در ژانویه سال ۲۰۰۰ برگزار شد بطور آشکاری مشاهده کردیم. گردانندگان و برخی از مدافعین این روش بیگانه با فرهنگ کومه له و حزب کمونیست ایران علیرغم تلاشهای فراوان رای اعتماد اعضاء حزب را کسب نکردند و برای عضویت در کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران انتخاب نشدند. گرچه به منظور حفظ وحدت صفوف حزب کمونیست ایران در این کنگره سازشهایی صورت گرفت و بدنبال کنگره سیاست آرام سازی تشکیلات، ادامه همکاریها و تلاش برای بازگرداندن اعتمادها و حفظ وحدت و انسجام حزب و کومه له جزء اولویتهای کمیته مرکزی منتخب کنگره بود. و اتفاقاً یکی از سیاستهایی بود که اتفاق آراء را پشت سر خود داشت، منتهی با کارشکنی جدی این محفل و مدافعینش روبرو شد و ناکام ماند. وقت خود و به مناسبتهایی موارد این مقاومت و کارشکنی ها در مباحثات و اسنادی درون تشکیلاتی مورد نقد قرار گرفت که برخی از اسنادش موجود است.

### کنگره کومه له و تاثیر این وقایع بر آن.

۳ سال از موعد قانونی برگزاری نهمین کنگره کومه له گذشته بود و اکثریت اعضاء کومه له خواهان برگزاری این کنگره بودند. تابستان سال ۲۰۰۰ برای برگزاری آن تعیین شده بود. مطابق اساسنامه حزب و حقوق و اختیارات ویژه کومه له، تهیه آئین نامه انتخابات نمایندگان کنگره جزء وظائف کمیته مرکزی کومه له است. این کمیته نه تنها در این زمینه به تنهایی تصمیم نگرفت و کمیته مرکزی حزب را در تهیه این آئین نامه دخیل دانست، بلکه آئین نامه انتخابات کنگره هفتم حزب را که توسط اکثریت کمیته مرکزی حزب ( که از رفقای بودند که اکثراً جزء سازماندهندگان انشعاب بودند)، تهیه شده بود را مینا قرار دادند. نه تنها این، بلکه در کردستان و در صفوف تشکیلات کومه له نوعی از جناح بندی بوجود آمده بود و اکثریت و اقلیتی شکل گرفته بود. در جهت رعایت حقوق اقلیت در این آئین نامه حقوقی در نظر گرفته شده بود. باوجود همه این اقدامات رفقای مخالف که دیگر بصورت یک جناح عمل میکردند، نتوانستند آراء زیادی را کسب کنند.

اندکی قبل از آغاز کنگره طی اطلاعیه ای که بعداً به اطلاعیه ۶ نفره مشهور شد و علناً پخش گردید، مواضع تشکیلاتی خود را بیان و نگرانیهایی را از بابت سرآغاز یک انشعاب در کومه له دامن زدند. بدنبال این اطلاعیه جهت گیریها، اقدامات و اظهارنظرهایشان در این جهت میل میکرد و علیرغم خوش بینی های ما تصمیم به انشعاب در همین زمان گرفته شده بود و بقیه اقدامات آنها، دیپلماسی برای به دست آوردن موقعیت بهتر بود.

باوجود انجام انتخابات و حضور نمایندگان در محل برگزاری کنگره در کردستان، و در حین گشایش کنگره، سازماندهندگان انشعاب و طرفدارانشان از شرکت در کنگره خوداری کردند و بجای آن طی نامه ای به امضای ۴ نفر ( عبدالله مهتدی، عمر ایلخانی زاده، بهمن علی یار و محمد شافعی ) که در آن خواستها و شروط غیردموکراتیکی را بعنوان پیش شرط ادامه فعالیت خود در کومه له طرح کرده بودند، راه هرگونه تفاهمی را بستند و بدین ترتیب پروژه از پیش طراحی شده خود را به مرحله اجراء درآوردند. بسیاری از فعالین قدیمی این جریان و دوستان کومه له و جنبش انقلابی کردستان، خود را در سرنوشت کومه له دخیل میدانستند. همچنین سازمانهای چپ ایرانی نیز نسبت به سرنوشت و آینده کومه له احساس مسئولیت میکردند. لذا با آشکار شدن نیت انشعابیون ما با سیلی از نامه ها، پیامها و درخواستهای نسبتاً وسیعی که همگی خواهان حفظ وحدت صفوف کومه له و

اتخاذ روشهای دموکراتیک در حل اختلافات بودند، روبرو شدیم. این تمایلات وحدت طلبانه از جانب کمیته مرکزی کومه له، نمایندگان شرکت کننده در کنگره با استقبال روبرو شد و جلسات کنگره برای چندین مرتبه تعطیل تا بلکه راه حل دموکراتیکی پیدا شود، منتهی سازماندهندگان انشعاب نسبت به این خواست عمومی بی تفاوت و بلاخره پروژه خود را به سرانجام رساندند.

### **چرا انشعاب را انشعاب کومه له از حزب کمونیست ایران قلمداد کردند؟**

در تبلیغاتی که توسط برخی عناصر وابسته به محفل انشعابگر در خارج از کشور صورت می گیرد، این انشعاب را نه انشعاب اقلیتی از کومه له، بلکه انشعاب کومه له از حزب کمونیست ایران نام گذاری کرده اند. از مسخره بودن این نوع تبلیغات که بگذریم باید بگوئیم که نه خود آنها و نه شنوندگان این نوع تبلیغات و نه مردم کردستان آن را جدی نگرفته اند، منتهی علیرغم این خاک پاشیدن به چشم شعور عمومی مردم و حقیر جلوه دادن خود، باید از خود پرسید که در شرایطی که جز اقلیت بسیاری ضعیفی از کادرهای قدیمی کومه له با آنها همراهی نکرده اند نظر شماری از دوستان را که بلحاظ نظری و سالها پیش از آنها چنین افکار را داشته به خود جلب کنند، و در شرایطی که روش آنها برای همه و منجمله همفکران بیرون از تشکیلات آنها وسیعاً در مقابل علامت سؤال قرار گرفته و مردم کردستان از اقدام آنها در سطح وسیعی ابراز تنفر کرده اند، هدف از دست زدن به این نوع تبلیغات چیست؟

در بحث مربوط به اوضاع سیاسی ایران جهت گیری این گرایش به محلی گری و فاصله گرفتن از جنبش سراسری را بررسی کردیم. مابه ازاء تشکیلاتی این جهت گیری را هم در اتخاذ آرایش بعداز انشعاب مشاهده کردیم. محلی گری و فاصله گرفتن از جنبش سراسری جزء جهت گیریهای اصلی انشعابیون بود. در این رابطه به منظور جلب توجه طرف مقابل، بسیج نیروی ناسیونالیسم کرد در غربت و همچنین برخی عناصر صادق و انقلابی قدیمی صفوف کومه له که علیرغم سوسیالیست بودنش قالب تشکیلاتی حزب کمونیست ایران را مناسب فعالیت ما نمی دانست، انحلال حزب کمونیست ایران می توانست تنها وثیقه این معامله باشد. بنابراین در چرخشی حیرت آور مدافعین حزب کمونیست ایران یک شبه به عاملین انحلالش تبدیل می شوند. گرچه برخی از آنها در تبلیغات شفاهی خود را از مخالفین سرسخت و تاریخی حزب کمونیست ایران معرفی کرده اند، اما حقیقت چیز دیگریست و اسناد موجود است.

من بعنوان عضو حزب کمونیست ایران سوی پیچ پیچ افرادی آنهم در محافل خصوصی، تا بعداز کنگره هفتم حزب هیچ بحث و اظهار نظری در مخالفت با حزب کمونیست ایران که در یک نشست رسمی حزبی مطرح شده باشد را از سازماندهندگان این انشعاب نشنیده ام. عکس آن را شنیده بودم. نوشته های بسیاری از آنها در دفاع از حزب کمونیست ایران وجود دارد در حالیکه، سندی دال بر مخالفت آنها با حزب کمونیست ایران را موجود نیست. فرض براین است که آنها بخصوص کاک عبدالله مهتدی مخالف حزب کمونیست ایران تا حد انحلالش بوده باشد، اگر چنین بود، پس چرا در کنگره هفتم حزب که در ژانویه امسال برگزار شد، خود را برای عضویت در کمیته مرکزی کاندید کرد و دوبار طی سخنرانیهایش از نمایندگان حاضر در کنگره درخواست کرد که برای عضویت در کمیته مرکزی حزب به او رای بدهند؟ دیگران هم همچنین.

این ادعاها نشان میدهد که سوار شدن بر امواج بیرون از تشکیلات و جلب رضایت طرف مقابل

مستلزم دادن چنین امتیازاتی است که البته این محفل در دست زدن به چنین چرخشهای ناگهانی و حیرت آوری کسب مهارت کرده است. در فرهنگ آنها تجدید نظر فکری لازم نیست که بتدریج و در پروسه ای صورت گیرد. منافع فردی هر آن که اقتضاء کردت جدید نظر جائز و مشروع است. بنابراین آنچه که انشعاب در کومه له را توضیح میدهد هم تغییر جهت سیاسی است و هم مسائل تشکیلاتی و هم جاه طلبی فردی برپادارندگان که با هیچکدام از سنتهای تاکنونی کومه له تطابق ندارد. کومه له با تکیه بر صداقت انقلابی اش راه خود را ادامه میدهد. مردم همه ما را قضاوت خواهند کرد، گرچه تاکنون هم همه ما از محک آزمایش گذشته ایم. نمیتوان هر ۱۰ سال یکبار کومه له را به آستانه انشعاب برد و هنوز مدعی کومه له بودن بود. ما هنوز آثار ضربات و زخمهای ۱۰ سال پیش باید این را بدانند که این حرکت آنها مدافعین زیادی نخواهد داشت ما قضاوت افراد زیادی از مردم شهرهای کردستان را شنیدیم، ما قضاوت رفقای قدیمی خود در خارج از کشور را هرچند که با حزب کمونیست ایران هم مخالف باشند را شنیدیم، آنها هم گفتند که نه این روش، روش ما کومه له ایی ها بود و نه این تشکیلات جدید همان کومه له ایی است که ما می شناختیم. گرچه از سر نارضایتی تشکیلاتی شماری از رفقای ما به این پروژه پیوسته باشند، من تردیدی ندارم که رفقای که با سنتهای انقلابی کومه له به سیاست پیوسته اند و با این سنتها پرورش پیدا کرده اند. نیروی این پروژه جدید نیستند و نخواهند بود. پیشمرگ و کادر کومه له همیشه و در هر حال یار و یاور دردمندان محیط کار و زیستش بوده، بریدن از این سنت حتی برای کسانی که سالهاست صفوف تشکیلاتی ما را ترک کرده اند، امری غیر ممکن بوده است، بعید بنظر میرسد کومه له ایی های مدافع سنتهای کاک فواد، کاک صدیق، کاک ایوب، دکترجعفر و رفیق محمد حسین کریمی و دیگران بتوانند با پروژه ای همراه و همگام شود که منافع و مصلحت فردی، جاه طلبی تشکیلاتی را بر منافع زحمتکشان ترجیح دهد.

فرهاد شعبانی